

مکتب تفسیری هدف‌گرایی در حقوق کیفری ایران

جلال‌الدین قیاسی

دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

jalalghiasi2001@yahoo.com

روح‌الله اکرمی

استاد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

r.akrami2013@gmail.com

عباس غالب‌زاده (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

abbasghalebzadeh@gmail.com

چکیده

مکتب تفسیری هدف‌گرایی، به عنوان یکی از مکاتب مهم در تفسیر حقوقی، با محوریت قرار دادن «اهداف و مقاصد قانون‌گذار» به تفسیر قوانین کیفری می‌پردازد. این پژوهش به تحلیل جایگاه، مبانی، انواع هدف در هدف‌گرایی، چالش‌های این مکتب و نهایتاً جایگاه آن در نظام حقوق کیفری ایران می‌پردازد. هدف اصلی این تحقیق، تبیین نقش و کارکرد هدف‌گرایی در انعطاف‌پذیری و انطباق قوانین کیفری با تحولات اجتماعی و همچنین بررسی موانع نظری و عملی فراروی آن است. این مطالعه به روش توصیفی-تحلیلی و با گردآوری داده‌ها از طریق منابع کتابخانه‌ای شامل متون حقوقی، نظریات مشورتی و آرای قضایی انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه این مکتب در دکتترین حقوقی ایران و نیز در رویه قضایی مانند نظریات اداره کل حقوقی قوه قضاییه و آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور مورد استقبال و استفاده قرار گرفته، اما با چالش‌های بنیادینی همچون ابهام در تشخیص هدف، خطر ذهنیت‌گرایی و تعارض احتمالی با اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها و اصل تفکیک قوا مواجه است. در نتیجه، این پژوهش پیشنهاد می‌کند که برای بهره‌گیری هرچه بیشتر از مزایای این مکتب، ضروری است ضوابط و معیارهای روشنی برای تشخیص اهداف قانون‌گذار تدوین گردد تا از تفسیرهای سلیقه‌ای و خودسرانه جلوگیری شده و کاربرد هدف‌گرایی در نظام حقوقی ایران تضمین و تقویت شود.

واژگان کلیدی: هدف‌گرایی، تفسیر قانون، حقوق کیفری، قصد قانون‌گذار، رویه قضایی، دکتترین حقوقی.

مقدمه

روشن و صریح نبودن متن قانون و یا سکوت، ابهام، اجمال و تعارض در آن، منتهی به تفسیر از سوی قضات و علمای حقوق می‌گردد. تفسیر قانون، فرآیندی اصولی و روش‌مند است که نیازمند به‌کارگیری ابزارهای ویژه خود می‌باشد. یک مفسر برای جلوگیری از برداشت‌های شخصی و دور نشدن از خواست و هدف قانون‌گذار، باید از این ابزارها استفاده کند. این ابزارها همچون چراغ راهی هستند که مفسر را برای رسیدن به مقصود نهایی، که همانا تحقق اهداف و مقاصد قانون است، یاری می‌کنند.^۱ تفسیر از ریشه «فسر» گرفته شده است و در لغت به معنای بیان نمودن و نمایاندن چیز پوشیده می‌باشد.^۲ و در اصطلاح فقه به معنی توضیح دادن آیات قرآن است.^۳ و در اصطلاح حقوق نیز تعاریف مختلفی از آن به عمل آمده است. برای نمونه برخی از نویسندگان عنوان می‌کنند تفسیر به منزله یک فعالیت عقلانی است که به یک متن قانونی معنا می‌بخشد.^۴ و پس از نمایان کردن معنا، می‌توان آن را به شکلی درست، در مورد هر حالت خاص اجرا کرد.^۵ به عبارت دیگر بر وقایع و مصادیق تطبیق داد.^۶ زیرا که در مرحله قضاوت لازم است که حکم کلی قانون بر مورد جزئی منطبق گردد و یا به سخن دیگر؛ شناختن، شناسایی نمودن و انتقال دادن حکم کلی قانون بر موضوع معین با کمک تفسیر صورت می‌گیرد.^۷ لیکن به طور کلی می‌توان از تفسیر به عنوان مجموعه روش‌هایی، که به دادرس این امکان را می‌دهد تا در تمام حالت‌ها حکم هر مسئله را بیابد، یاد کرد.^۸

حقوقدانان در مقام تفسیر قانون، تقسیم‌بندی‌های متعددی از تفسیر به عمل آورده‌اند. برای نمونه برخی از آنها تفسیر را بر حسب مرجع تفسیر، به مرجع قانونی، قضایی و شخصی تقسیم نموده‌اند. همچنین حسب روش‌های عملی، تفسیر را به ادبی، اصولی، منطقی، لفظی، مضیق، تفسیر به نفع متهم و... تفکیک کرده‌اند.^۹ و در نهایت بر اساس مکاتب تفسیری، نیز حقوقدانان دسته‌بندی‌های متعددی انجام داده‌اند که به نظر می‌رسد کامل‌ترین و روشن‌ترین دسته‌بندی از مکاتب تفسیری، تقسیم آن به چهار مکتب تفسیری نص‌گرایی، قصد‌گرایی، هدف‌گرایی و عمل‌گرایی است.^{۱۰} که در ادامه تفاوت‌های آشکار آن‌ها ذکر خواهد شد.

در میان مکاتب تفسیری یاد شده، هدف‌گرایی یک مکتب تفسیری محسوب می‌شود که در آن مفسر به دنبال شناخت اهداف، رویکردها و تمایلات صاحب متن است.^{۱۱} و این مکتب تفسیری در نظام‌های حقوقی مختلف نیز مورد توجه قرار گرفته است. پیشینه هدف‌گرایی در حقوق عرفی به قاعده سنتی «رفع مشکل» بازمی‌گردد که بر اساس آن، مفسر باید قانون را با توجه به مشکل خاصی که برای رفع

^۱ - امینی، محمد و همکاران، «تبیین گستره اعتبار ظهور بدوی کلام مقنن، با نظر به مولفه‌های برتر تفسیری در حقوق مدنی و کیفری»، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، سال بیست و ششم، شماره دوم، پیاپی ۶۸، (۱۴۰۴)، ۳۶۱-۴۰۲، ۳۶۲.

^۲ - محمد بن مکرّم ابن منظور، لسان العرب، جلد ۵ (بیروت: دار صادر، ۱۱۱۱ق)، ۵۵.

^۳ - محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۳)، ۱۷۰.

^۴ - Spano, Robert R. (2010). "Some Theoretical Reflections on Statutory Interpretation with an Emphasis on Purposive Interpretation in Law and Its Limits". Seminar Paper presented at Bergen, June 7-9, (2010), 3.

^۵ - رضا نوربها، زمینه حقوق جزای عمومی (تهران: گنج دانش، ۱۳۹۰)، ۱۵۲.

^۶ - عباس زراعت، حقوق جزای عمومی ۱ و ۲ (تهران: جاودانه، ۱۳۹۴)، ۵۶.

^۷ - سید جلال‌الدین مدنی، رویه قضائی (تهران: پایدار، ۱۳۸۶)، ۱۷.

^۸ - جلال‌الدین قیاسی، روش تفسیر قوانین کیفری (قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۸)، ۲۵.

^۹ - همان، ۹۸.

^{۱۰} - رضا پورمحمدی، درآمدی بر تفسیر حقوقی (قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۲)، ۴۳.

^{۱۱} - رحیم نوبهار، اصول فقه: مباحث الفاظ و قواعد تفسیر متن (تهران: نشر میزان، ۱۴۰۲)، ۲۷.

آن تصویب شده است تفسیر کند.^{۱۲} این قاعده سپس با گذر از محدودیت‌های خود، در نظریه نظام‌مند هارت و ساکس به کمال نسبی رسید. با این توضیح که قاعده «رفع مشکل» صرفاً به شناسایی یک مشکل خاص می‌پردازد، لیکن هارت و ساکس با تأکید بر «اهداف کلی قانون»، تفسیر را به فرآیندی پویا تبدیل کردند. آنها باور داشتند که قانون باید در راستای تحقق اهداف اساسی، ارزش‌های اجتماعی و مقاصد عقلایی خود تفسیر شود، لذا قاضی موظف است با در نظرگیری این اهداف، به تفسیری دست یابد که غایت و روح قانون را به بهترین شکل محقق سازد.^{۱۳}

صرفنظر از حقوق عرفی، هدف‌گرایی در فقه نیز از سوابق طولانی مدتی برخوردار است، و با عبارت «مقاصد الشریعه» یا همان رویکرد مقاصدی شناخته می‌شود که بر درک اهداف و حکمت‌های شریعت تأکید دارد، و هرچند با تلاش‌های نظام‌مند فقهایی چون شاطبی در «الموافقات» و قرافی در «الفروق» در سنت مالکی قرن هشتم هجری برجسته شد، اما رویکردی نوین محسوب نمی‌شود؛ بلکه این نگرش ریشه‌ای دیرینه دارد که نمونه‌های آن را حتی در سنت شیعی و در آثار کهنی مانند «علل الشرایع» شیخ صدوق می‌توان مشاهده کرد، جایی که او با گردآوری دلایل و علل احکام، گونه‌ای از تفکر مقاصدی را بازتاب داد. بنابراین آنچه امروز تحت عنوان رویکرد مقاصدی مطرح است را باید بیشتر بازخوانی و احیای همان سنت اصیل فقهی در قالبی نو دانست.^{۱۴}

با وجود این پیشینه غنی در هر دو سنت حقوقی و فقهی، پرسش اصلی این است که به طور کلی هدف‌گرایی چیست؟ و این مکتب تفسیری از چه مبانی برخوردار است؟ و انواع آن کدامند؟ همچنین این مکتب تفسیری در عمل، با چه چالش‌هایی روبرو است؟ و سوای موارد یاد شده، آیا این مکتب در حقوق کیفری ایران جایگاهی دارد یا خیر؟ با وجود مطالعات پراکنده در زمینه تفسیر حقوقی، مکتب هدف‌گرایی به صورت ویژه در حقوق کیفری ایران بررسی نشده است، و لذا انجام این تحقیق در جهت تبیین دقیق این مکتب تفسیری و ذکر مبانی و انواع آن، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و همچنین ضرورت دارد تا چالش‌های اعمال این مکتب تفسیری به تصویر کشیده شوند و از سوی دیگر جایگاه آن در حقوق کیفری ایران مشخص گردد. نوآوری این پژوهش در آن است که برای نخستین بار، تحلیل نظام‌مند و جامعی از جایگاه مکتب هدف‌گرایی را در سه عرصه دکتین، نظریات مشورتی و آرای وحدت‌رویه حقوق کیفری ایران ارائه می‌دهد. همچنین، تبیین انواع هدف در چارچوب قوانین کیفری و تحلیل چالش‌های کاربردی این مکتب، از دیگر وجوه بدیع این تحقیق محسوب می‌شود.

۱- تفسیر هدف‌گرا؛ مبانی، انواع و تمایزها

تفسیر هدف‌گرا به عنوان رویکردی پیشرو در عرصه فهم حقوقی، با محوریت «هدفمندی قانون» و «کارآمدی نظام حقوقی»، نقشی اساسی در پاسخگویی به نیازهای پویای جامعه ایفا می‌کند. این روش که در میانه توجه به خواست قانونگذار و نقش فعال مفسر جای دارد، تنها به واژگان قانون بسنده نکرده، بلکه با گذر از متن، در پی تحقق روح قانون و پاسخ به تحولات اجتماعی است. این فصل با تبیین مفهوم، بن‌مایه‌های فلسفی و گونه‌های هدف در قانون، به واکاوی جایگاه این مکتب در مقایسه با دیگر روش‌های تفسیری می‌پردازد. سپس با بررسی نقدهای وارد شده و پاسخ‌های موجود، تصویری جامع از توانمندی‌ها و چالش‌های این روش تفسیری در هماهنگی با نیازهای متحول جامعه ارائه می‌دهد.

۱-۱- مفهوم هدف‌گرایی

¹²- Bray, Samuel L. (2021). "The Mischief Rule". The Georgetown Law Journal. 109, (2021), 967.

¹³- Gotsis, Tom. Statutory Interpretation: Principles and Pragmatism for a New Age (Sydney: Judicial Commission of New South Wales, 2007), 162.

¹⁴ - نوبهار، رحیم، «نگاهی نوگرایانه به فقه مقاصدی و چالش‌های پیش‌روی آن»، مجله سخن ما، شماره هشتم، سال دوم، (۱۳۹۴)، ۸-۱، ۲.

تفسیر هدف‌گرا که با عناوینی مانند تفسیر غایت‌گرا، اجتماعی، کارکردگرا،^{۱۵} منطقی،^{۱۶} فرجام‌شناسانه^{۱۷} و مقصد‌گرایی^{۱۸} شناخته می‌شود، رویکردی است که در آن مفسر با تمرکز بر اهداف قانون‌گذار به تفسیر متون حقوقی می‌پردازد. همچنین برخی آن را شاخه‌ای از قصدگرایی^{۱۹} یا حتی نسخه‌ای مدرن‌تر از مولف‌گرایی می‌دانند، اما در واقع، این روش در میانه مولف‌گرایی و مفسرگرایی قرار دارد، زیرا هم به نیت قانون‌گذار توجه می‌کند و هم نقش فعال مفسر در کشف هدف را می‌پذیرد.^{۲۰}

در این رویکرد مفسر با تعیین هدف قانون یا هدف ماده مورد بحث، سعی می‌کند تا ابهام قانون را با تفسیری که از اهداف آن بدست می‌آورد رفع کند.^{۲۱} تفسیر هدف‌گرا که از اهداف قانون یا قانون‌گذار الهام گرفته شده است؛ معتقد است متون مبهم یا غیرشفاف باید به گونه‌ای خوانده شوند که اهدافی را که قانون‌گذار در تلاش برای دستیابی به آن‌ها بوده است، تحقق بخشند که از این نوع تفسیر نیز، به عنوان یک نوع تفسیر وفادارانه به هدف قانون‌گذار یاد شده است.^{۲۲} میشل تروپه حقوقدان و نظریه پرداز و استاد دانشگاه پاریس نانتر، از این نوع تفسیر به عنوان تفسیر فرجام‌شناسانه یاد می‌کند و در توضیح آن بیان می‌کند، این نوع تفسیر یکی از روش‌های کاربردی در حقوق است که بر هدف قانون‌گذار متمرکز است، و در این روش، تمامی شیوه‌های تفسیر در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و همدیگر را تکمیل می‌کنند، و در این تفسیر، وظیفه متن را می‌توان با استفاده از استدلال‌هایی که از زبان و واژگان به کار رفته در متن استخراج می‌شود، مشخص کرد. همچنین کاربرد متن را می‌توان از طریق توضیح بخش‌هایی از متن توسط بخش‌های دیگر آن، و توجه به اراده قانون‌گذار در انتخاب واژه‌ها، بدست آورد.^{۲۳} و از سوی دیگر این شیوه‌ی تفسیری ممکن است، به دو هدف، یعنی ابتدا کشف نیت اصلی نویسنده متن (قانون‌گذار)، و دیگر درک مفهومی مستقل و عینی از متن که فراتر از نیت نویسنده باشد، منجر شود.^{۲۴} در نتیجه تفسیر فرجام‌شناسانه با ترکیب روش‌های زبانی، ساختاری، و هدف محور تلاش می‌کند به هدف نهایی متن حقوقی دست یابد.

برای مثال تبصره ۳ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس که مقرر می‌دارد: «هرگاه مرتکب اختلاس قبل از صدور کیفر خواست تمام وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد نماید دادگاه او را از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف می‌نماید و اجرا مجازات حبس را معلق ولی حکم انفصال درباره او اجرا خواهد شد.» در این تبصره صرفاً به «مرتکب» اشاره شده است و اگر بخواهیم صرفاً به متن قانون استناد کنیم باید بگوییم مرتکب در صورتی مشمول این تبصره می‌گردد که خود اقدام به استرداد وجه یا مال مورد اختلاس نماید در حالیکه هدف اصلی قانون‌گذار در این تبصره، حمایت از اموالی است که به صورت غیرقانونی به یغما رفته و بازگرداندن آنها به

^{۱۵} - محمد مهدی الشریف، منطق حقوق (پژوهشی در منطق حاکم بر تفسیر و استدلال حقوقی) (تهران: سهامی انتشار، ۱۴۰۰)، ۳۶۴.

^{۱۶} - جلیل امیدی، تفسیر قانون در حقوق جزا (تهران: نشر مخاطب، ۱۳۹۴)، ۶۲.

^{۱۷} - میشل تروپه، فلسفه حقوق (تهران: نشر آگه، ۱۴۰۰)، ۱۳۴.

^{۱۸} - رحیم نوبهار، اصول فقه: مباحث الفاظ و قواعد تفسیر متن (تهران: نشر میزان، ۱۴۰۲)، ۲۷.

^{۱۹} - Buresh, Donald L. (2023). "The Use of Intentionalism, Textualism, Purposivism, Lenity, and the Absurd Doctrine When Evaluating Legislative Intent and Legislative History". *International Journal of Social Science and Human Research*, 6, no. 12 (2023), 7332–7344.7333.

^{۲۰} - افشار، سجاد، «رهیافت مولف‌گرا در تفسیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۷، ۲۰، ۴۹(۱۳۹۷) - ۷۰، ۵۵.

^{۲۱} - Lonquist, Tobias. (2003). "The Trend Towards Purposive Statutory Interpretation: Human Rights At Stake". *Bond Law Review*, 13, no. 1 (2003), 16–27.20.

^{۲۲} - Herz, Michael. (2009). "Purposivism and Institutional Competence in Statutory Interpretation". Benjamin N. Cardozo School of Law, Jacob Burns Institute for Advanced Legal Studies Working Paper Series, no. 267 (2009), 1-32.9.

^{۲۳} - میشل تروپه، فلسفه حقوق (تهران: نشر آگه، ۱۴۰۰)، ۱۳۴.

^{۲۴} - همانجا.

بیت المال می‌باشد، و در این میان، هویت فردی که این اموال را پرداخت کرده، موضوعیت چندانی ندارد.^{۲۵} یا در مثال دیگر، که به پرونده نماینده دولت یا همان ایالت نیویورک علیه رایان بر می‌گردد، با این توضیح که فردی به نام رایان نوشیدنی الکلی را برای مصرف شخصی خود از ایالتی دیگر خریداری کرده و هنگام ورود به ایالت نیویورک دستگیر شده بود، دادگاه با استفاده از مکتب تفسیری هدف‌گرایی به بررسی این پرونده پرداخت، و در این مورد دادگاه تشخیص داد که هدف بند ۱ بخش ۱۰۲ از قانون کنترل نوشیدنیهای الکلی ایالت نیویورک که مقرر می‌دارد: «افراد صرفاً با مجوز می‌توانند مشروبات الکلی را به ایالت نیویورک وارد کنند»، برای نظارت بر تجارت نوشیدنی‌های الکلی و جلوگیری از فعالیت‌های غیرقانونی تنظیم مقررات برای بازرگانان و فروشندگان نوشیدنی‌های الکلی بوده، نه افرادی که برای مصرف شخصی خود نوشیدنی الکلی خریداری می‌کنند. بنابراین، دادگاه در این پرونده به نفع رایان رای داد و وی را از این اتهام تبرئه نمود.^{۲۶}

همچنین در نظام‌های حقوقی اروپایی نیز، دادگاه‌ها با به‌کارگیری اصول کلی و پرکردن خلاهای قانونی از طریق تفسیر هدف‌محور عمل می‌کنند. در انگلیس نیز دادگاه‌ها به‌طور فزاینده‌ای ناگزیر از اتخاذ این رویکرد در مواجهه با قوانین اتحادیه اروپا هستند. جالب اینکه حتی در تفسیر قوانین داخلی نیز گرایش به سمت این روش در حال افزایش است، تا جایی که در سال ۱۹۶۹ کمیسیون قانون انگلیس رسماً از دادگاه‌ها خواست آن را به کار گیرند، و امروزه این شیوه تفسیر به‌صورت یک روش تثبیت‌شده درآمده است.^{۲۷} از ویژگی‌های بارز مکتب تفسیری هدف‌گرا می‌توان بر تمرکز آن بر هدف قانون اشاره نمود. این مکتب معتقد است قوانین برای تحقق اهداف خاصی تصویب می‌شوند و تفسیر باید در راستای همان اهداف باشد. و همچنین یکی دیگر از ویژگی‌های این مکتب تفسیری انعطاف‌پذیری آن است، و برخلاف تفسیر تحت‌اللفظی، این روش با تغییرات اجتماعی سازگار است و قوانین را به‌صورت پویا تفسیر می‌کند. مضاف بر آن این مکتب تفسیری از تلفیق روش‌های تفسیری بهره‌مند می‌شود، یعنی از ابزارهای زبانی، ساختاری و غایت‌شناسانه برای کشف نیت قانون‌گذار استفاده می‌کند.^{۲۸}

در مجموع، تفسیر هدف‌گرا با تکیه بر اصولی مانند انعطاف‌پذیری، توجه به اهداف قانون‌گذار و تلفیق روش‌های تفسیری، به یکی از شیوه‌های کلیدی در نظام‌های حقوقی معاصر تبدیل شده است. گرچه این روش مزایای بسیاری دارد، اما تعادل میان وفاداری به نیت مقنن و پرهیز از تفسیرهای گسترده، همواره به عنوان یک چالش مطرح بوده و نیازمند ضوابط روشن برای جلوگیری از قضاوت‌های خودسرانه است.

۱-۲- تفاوت هدف‌گرایی با سایر مکاتب تفسیری

همانطور که در ابتدای تحقیق نیز گفته شد، حقوقدانان تفسیر را بر اساس مکاتب تفسیری، به دسته‌بندی‌های مختلفی تقسیم نموده‌اند لیکن به نظر می‌رسد که کامل‌ترین و روشن‌ترین دسته‌بندی از مکاتب تفسیری، تقسیم‌بندی آن به چهار مکتب تفسیری نص‌گرایی، قصدگرایی، هدف‌گرایی و عمل‌گرایی است.

مکتب نص‌گرایی، همان‌گونه که از نام آن پیداست، بر پایه‌ی تفسیر صرف متن قانون استوار است. طرفداران این مکتب تنها به الفاظ و عبارات صریح قانون استناد می‌کنند و هیچ عامل خارجی از جمله مذاکرات قانونگذاران، اهداف پنهان قانون، یا رویه‌های اجتماعی

^{۲۵} - حسین آقایی نیا و هادی رستمی، حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اموال و مالکیت) (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۷)، ۳۳۳.

^{۲۶} - Buresh, Donald L. (2023). "The Use of Intentionalism, Textualism, Purposivism, Lenity, and the Absurd Doctrine When Evaluating Legislative Intent and Legislative History". *International Journal of Social Science and Human Research*, 6, no. 12 (2023), 7332-7344. doi:10.47191/ijssshr/v6-i12-19.7333-7336.

^{۲۷} - Awana, Vijay. (2020). "Jurisprudential Aspects and Significance of Rule of Purposive Interpretation". *International Journal of Legal Science and Innovation*, 2, no. 2 (2020), 46-54.46.

^{۲۸} - میشل تروپه، فلسفه حقوق (تهران: نشر آگه، ۱۴۰۰)، ۱۳۴.

را در تفسیر دخالت نمی‌دهند. برای مفسر نص‌گرا، نیت قانونگذار، مشروح مذاکرات مجلس، و حتی اهداف کلی قانون فاقد اعتبار است و تنها معیار قابل استناد، متن نوشته‌شده و ظاهر عبارات قانونی است. این رویکرد، تفسیر حقوقی را به تحلیل ادبی متن محدود می‌کند و هرگونه استدلال فرامتنی را نادیده می‌گیرد.^{۲۹} در حالیکه در هدف‌گرایی برعکس نص‌گرایی، آنچه که حایز اهمیت است هدف است نه نص قانون. به نحوی که در نص‌گرایی متن قانون موضوعیت داشته لیکن در هدف‌گرایی، نص قانون طریقت داشته و تنها قرینه‌ای برای کشف هدف است.

همچنین قصدگرایان معتقدند معنای واقعی متن تنها زمانی قابل درک است که به قصد و نیت پدیدآورنده آن توجه شود و تفسیر متن باید حول محور این قصد و نیت شکل بگیرد.^{۳۰} لذا قصدگرایی بر این اصل استوار است که تفسیر قانون باید بر اساس «قصد قانون‌گذار» انجام شود. در این رویکرد، مفسر سعی می‌کند به ذهن قانون‌گذار نفوذ کند و بفهمد که قانون‌گذار در زمان تصویب قانون چه قصدی داشته است. این قصد ممکن است از طریق بررسی اسناد تاریخی، مذاکرات پارلمانی، یا سایر منابع مرتبط با فرآیند قانون‌گذاری استخراج شود. در خصوص تفاوت مکتب قصدگرایی با هدف‌گرایی هر چند که از آن جهت که هر دو آنها به اراده قانونگذار بر می‌گردند و به تبع تفکیک آنها نیز از یکدیگر دشوارتر است لیکن با این وجود این دو رویکرد متمایز در تفسیر قانون هستند و از نظر روش‌شناختی و فلسفی تفاوت‌های اساسی دارند. قصدگرایی بر نیات ذهنی و ارتباطی قانونگذاران در زمان تصویب قانون تمرکز دارد و با اتکاء به اسناد تاریخی مانند مذاکرات مجلس، به دنبال کشف قصد خاص قانونگذار از الفاظ و عبارات مشخص است.^{۳۱} در مقابل، هدف‌گرایی ذهنی نیز به اهداف قانونگذار در زمان تصویب توجه می‌کند، اما هدف‌گرایی عینی با نگاهی کلی‌تر، اهداف عینی و سیاست‌های کلی نظام حقوقی را مدنظر قرار می‌دهد و به جای تمرکز صرف بر الفاظ، به تفسیر گسترده‌تر از ماده‌ی قانونی، قانون خاص یا حتی اهداف کلان نظام حقوقی می‌پردازد.^{۳۲ ۳۳} به طور کلی، در تمایز میان قصدگرایی و هدف‌گرایی می‌توان چنین بیان کرد که هر فرد در هنگام بیان سخن یا نگارش یک متن، می‌تواند هم دارای «قصد» باشد و هم «مقصود». قصد به معنای مدلول و مفهومی است که مستقیماً از الفاظ و عبارات برداشت می‌شود، در حالی که مقصود، غایت و هدف نهایی است که گوینده یا نویسنده در اعماق ذهن و ضمیر خود از ارائه متن دنبال می‌کند. بنابراین در هدف‌گرایی، به جای تأکید بر معنای صریح و ظاهری متن، بر نیت غایی و مقصود نهایی که موجب صدور متن شده است، تمرکز می‌شود.^{۳۴} برای مثال، در تفسیر قانون آیین دادرسی کیفری، قصدگرا صرفاً به دنبال کشف نیت قانونگذار از یک عبارت خاص درباره اعتراض به رای است، در حالی که هدف‌گرا به چگونگی تحقق اهداف کلی مانند عدالت و دادرسی منصفانه می‌اندیشد. قصدگرایی نویسنده‌محور و گذشته‌نگر است و در مواجهه با قوانین مبهم یا مسائل نوپدید با چالش مواجه می‌شود،^{۳۵} در حالی که هدف‌گرایی عینی خواننده‌محور و آینده‌نگر است و با انعطاف‌پذیری بیشتر، تفسیری سازگار با تحولات اجتماعی ارائه می‌دهد.^{۳۶} این تفاوت‌ها نشان می‌دهد هدف‌گرایی عینی به دلیل توجه به اهداف کلی‌تر، انعطاف‌پذیری و عملکردگرایی، در نظام‌های حقوقی پویا برتری

^{۲۹} - رضا پورمحمدی، درآمدی بر تفسیر حقوقی (قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۲)، ۴۴.

^{۳۰} - احمد واعظی، احمد، هرمونیک حقوقی (قم: بوستان کتاب، ۱۴۰۱)، ۱۱۵.

^{۳۱} - Siegel, Jonathan R. (2009). "The Inexorable Radicalization of Textualism". University of Pennsylvania Law Review, 158, no. 1 (2009), 117-178. Available at:120.

^{۳۲} - Newcombe, Caroline Bermeo. (2022). "Textualism: Definition, and 20 Reasons Why Textualism is Preferable to Other Methods of Statutory Interpretation". Missouri Law Review, 87, no. 1 (2022), 139-193.151.

^{۳۳} - Brannon, Valerie C. (2018). Statutory Interpretation: Theories, Tools, and Trends. Congressional Research Service.11.

^{۳۴} - رحیم نوبهار، اصول فقه: مباحث الفاظ و قواعد تفسیر متن (تهران: نشر میزان، ۱۴۰۲)، ۲۷.

^{۳۵} - Aharon Barak, Purposive Interpretation in Law (Princeton: Princeton University Press, 2005), 267-268.

^{۳۶} - رضا پورمحمدی، درآمدی بر تفسیر حقوقی (قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۲)، ۱۳۵.

دارد.^{۳۷}

در نهایت در مکتب تفسیر عمل‌گرایی، مفسران بیش از هر چیز بر پیامدها و آثار اجتماعی تفسیر حقوقی تأکید دارند. برخلاف روش‌های سنتی که بر پایبندی به قواعد حقوقی و اصول تفسیری استوار است، عمل‌گرایان به نتایج عملی و تأثیرات اجرایی قانون بر جامعه توجه می‌کنند. در این رویکرد، مفسر ترجیح می‌دهد تفسیری را برگزیند که به بهترین پیامدهای ممکن بینجامد، حتی اگر این امر مستلزم عدول از قواعد مرسوم تفسیر باشد. بنابراین، هدف اصلی در این مکتب، دستیابی به راه‌حلی است که بیشترین سود اجتماعی را به همراه داشته باشد.^{۳۸} در صورتی که در هدف‌گرایی صرف‌نظر از پیامدها و آثار اجتماعی، مفسر هدف را ملاک تفسیر خود قرار می‌دهد.

این تفاوت‌ها در واقع بازتاب دهنده‌ی اختلافات بنیادین‌تر در مبانی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی این مکاتب هستند، و به غیر از موارد یاد شده، تفاوت‌های متعدد دیگری نیز وجود دارد.^{۳۹} لیکن به طور مشخص، تمایز اصلی را می‌توان در اولویت‌های تفسیری آنها جستجو کرد؛ با این توضیح که رویکرد نص‌گرا با تأکید انحصاری بر دلالت ظاهری الفاظ قانون، پایبندی خود به متن را نشان می‌دهد، حال آنکه مکتب قصدگرا، با عبور از ظاهر متن، به نیت تاریخی قانونگذار به عنوان معیار نهایی می‌نگرد. در مقابل، هدف‌گرایان با تمرکز بر اهداف کلی قانون یا اهداف خاص یک ماده، معتقدند که تفسیر باید در خدمت تحقق آن اهداف باشد. در نهایت، عمل‌گرایان با نگاهی کارکردگرایانه، پیامدهای اجتماعی تصمیم قضایی را محک می‌زنند و معیار صحت تفسیر را در کارآمدی آن در حل مسائل واقعی جامعه می‌دانند. بنابراین، این چهار مکتب، هر یک با تمرکز بر یک عنصر متفاوت (لفظ، قصد، هدف یا پیامد)، مسیرهای متمایزی را در فرآیند تفسیر دنبال می‌کنند که بدون شک این چارچوب‌های متفاوت، منجر به خروجی‌های حقوقی متمایز و گاه متضادی در مواجهه با یک متن واحد می‌شود.

۱-۳- مبانی هدف‌گرایی

مبانی تفسیر هدف‌گرایی را باید در اصول فلسفی و حقوقی جستجو کرد که ضرورت اولویت دادن به «هدف» و «غایت» قانون را بر «لفظ» آن توجیه می‌کنند. این مبانی، پایه‌های استدلالی هستند که چرایی صحت این روش تفسیری را توضیح می‌دهند. نخستین و مهم‌ترین مبنا، «اصل حاکمیت اراده عقلانی قانونگذار» است. این اصل، فراتر از تتبع قصد روانشناختی افراد، بر این فرض استوار است که قانون محصول فرآیندی عقلانی و جمعی است که به دنبال تحقق اهدافی معقول و منطقی برای اداره جامعه است.^{۴۰} بنابراین، وفاداری واقعی به قانونگذار، وفاداری به این اراده عقلانی و اهداف کلی است که پشت متن قانون نهفته است، نه تمسک صرف به الفاظی که ممکن است در گذر زمان یا در مواجهه با شرایط پیش‌بینی نشده، نتوانند آن اراده را به طور کامل بیان کنند.^{۴۱} بنابراین این مبنا، هدف‌گرایی را از متن‌گرایی صرف متمایز می‌سازد.

مبنای دوم، «غایت‌مندی خود حقوق» است. حقوق به عنوان یک نظام هنجاری، صرفاً مجموعه‌ای از دستورات نیست، بلکه ابزاری برای تحقق نظم، عدالت و سامان‌بخشی به زندگی اجتماعی است. هر قانونی به عنوان جزئی از این کل، ذاتاً غایت‌مند است؛ یعنی برای رسیدن به یک «چرایی» و «نتیجه مطلوب» طراحی شده است. تفسیر هدف‌گرا با پذیرش این مبنا، خود را موظف می‌داند که آن غایت

³⁷- Weinrib, Jacob. (2023). "What is Purposive Interpretation?". University of Toronto Law Journal, 74, no. 1 (2023), 1-39.16.

^{۳۸} - پورمحمدی، پیشین، ۱۵۱-۱۵۲.

^{۳۹} - نگاه کنید به: پورمحمدی، پیشین، ۱۴۰۲.

⁴⁰- Kevin M Stack. 2015. "Purposivism in the Executive Branch: How Agencies Interpret Statutes. Published in U.S.A." Vol. 109, No. 4. 871-932.905.

⁴¹- Michael Herz. 2009. "Purposivism and Institutional Competence in Statutory Interpretation." Benjamin N. Cardozo School of Law, Jacob Burns Institute for Advanced Legal Studies Working Paper Series, no. 267.1-32.4.

نهایی را شناسایی کند و تفسیری را ارائه دهد که قانون را به ابزاری کارآمد برای نیل به آن غایت تبدیل کند، نه آنکه با توقف در الفاظ، امکان تحقق هدف اصلی را مسدود سازد. این نگاه، حقوق را پویا و کارآمد نگه می‌دارد.

مبنای سوم که به ویژه در نظام‌های حقوق نوشته پررنگ است، «اصل اصالت قانون (حاکمیت قانون)» است. این اصل در نگاه سطحی ممکن است با متن‌گرایی همسو به نظر برسد، اما در تحلیل عمیق‌تر، حاکمیت واقعی قانون زمانی محقق می‌شود که «مقصود» و «اراده عقلانی» آن به طور کامل اجرا شود. اگر الفاظ در شرایطی خاص مانع از تحقق مقصود قانون شوند، پیروی کورکورانه از آنها در حقیقت خیانت به روح اصل حاکمیت قانون و تبدیل آن به یک ابزار مکانیکی و گاه نامعقول است. بنابراین، هدف‌گرایی خود را وفادارترین رویکرد به اصل حاکمیت قانون می‌داند، زیرا تضمین می‌کند که حکومت واقعی از آن «قانون به مثابه یک اراده عقلانی غایت‌مند» است، نه صرفاً «کلمات چاپ‌شده در روزنامه رسمی».

در نهایت، مبنای چهارم «کارکردگرایی حقوقی» است. این مبنا با نگاهی عمل‌گرایانه، کارآمدی نظام حقوقی در حل تعارضات و پاسخگویی به نیازهای اجتماعی را معیار صحت تفسیر می‌داند. از این منظر، قوانین برای حل مشکلات واقعی جامعه وضع می‌شوند. تفسیر هدف‌گرا با تمرکز بر «هدف حل مسئله» توسط قانون، تضمین می‌کند که تفسیر به خروجی عادلانه و کارآمدی بینجامد و از فروغلطیدن نظام حقوقی به مجادلات بی‌حاصل لفظی جلوگیری کند. این مبنا، هدف‌گرایی را به رویکردی تبدیل می‌کند که کارکرد اصلی حقوق، یعنی ایجاد نظم و انصاف در جامعه را در اولویت قرار می‌دهد. بنابراین در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت مبنای یادشده؛ یعنی حاکمیت اراده عقلانی قانونگذار، غایت‌مندی ذاتی حقوق، تحقق بخشی به حاکمیت قانون و کارکردگرایی، همگی دلیلی بنیادین ارائه می‌دهند که چرا یک مفسر در مواجهه با ابهام یا تعارض، باید به سراغ «هدف» قانون برود.

۱-۴- انواع هدف در تفسیر قانون

هدف قانون را می‌توان از جهت دامنه تاثیرگذاری بر قوانین، تعدد اهداف و مرجع واجد هدف به دسته‌های متعددی تقسیم نمود. از جهت دامنه تاثیرگذاری، اهداف به سه دسته عام، خاص و جزئی تقسیم می‌شوند. اهداف عام به ارزش‌های بنیادین و غایی نظام حقوقی اشاره دارند که فراتر از قوانین خاص قرار گرفته و به عنوان چارچوب هنجاری کلان، جهت‌دهنده تمامی فرآیندهای تقنینی و تفسیری هستند. این اهداف که شامل مفاهیمی مانند عدالت، نظم عمومی، امنیت اجتماعی و رفاه عمومی می‌شوند، ریشه در فلسفه حقوق و ارزش‌های اساسی جامعه داشته و به عنوان مبنای مشترک تمام نظام‌های حقوقی مدرن شناخته می‌شوند.^{۴۲}

دسته دوم از اهداف، اهداف خاص هستند که صرفاً ناظر بر یک قانون خاص می‌باشند. برای نمونه ممکن است ادعا شود که یکی از اهداف خاص «قانون حمایت از خانواده»، رفع تبعیض علیه زنان است.^{۴۳} یا برای مثال، قانون مجازات اسلامی دارای هدف خاص «پیشگیری از جرم» و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در پی «حفظ حقوق کودکان» می‌باشد. این نوع هدف، «هدف فردی» نیز نامیده می‌شود زیرا مختص به یک قانون خاص است و آن را از سایر قوانین متمایز می‌کند. برای مثال، هدف فردی قانون مبارزه با مواد مخدر، «حمایت از سلامت عمومی» است، در حالی که هدف فردی قانون تجارت، «تسهیل مبادلات اقتصادی» می‌باشد.^{۴۴} به طور کلی باید گفت که این نوع از این اهداف نیز در راستای تحقق همان اهداف عام دسته اول قرار می‌گیرند لیکن با توجه به اینکه شمولیت آنها ناظر بر تمامی قوانین نیست و بلکه صرفاً ناظر بر یک قانون خاص هستند لذا آنها را اهداف خاص می‌نامند. و علاوه بر هدف عام و خاص می‌توان اهداف جزئی را نیز به این دسته از تقسیم بندی اضافه نمود. با این تشریح که اهداف جزئی به اهداف مشخص یک ماده قانونی محدود می‌شوند و مسیرهای عملی برای تحقق اهداف خاص را هموار می‌سازند. برای مثال، ماده ۶۸۷ قانون تعزیرات

⁴²- Mia Swart 2010. "Is There a Text in This Court? The Purposive Method of Interpretation and the ad hoc Tribunals." Zeitschrift für ausländisches öffentliches Recht und Völkerrecht (Heidelberg Journal of International Law), 70(3). 767-787.781.

^{۴۳} - سید مصطفی محقق داماد و رضا پورمحمدی، تفسیر قانون؛ نظریات و قواعد تفسیری (تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۴۰۴)، ۱۶۴.

⁴⁴- Aharon Barak 2005. Purposive Interpretation in Law. Princeton University Press.149.

مصوب ۱۳۷۵، با موضوع تخریب وسایل و تاسیسات مورد استفاده عمومی، با هدف جزئی جلوگیری از تخریب یا اختلال در وسایل و تاسیسات عمومی تصویب شده است.

همچنین از جهت تعدد اهداف، اهداف به عرضی و طولی تقسیم می‌شوند. اهداف عرضی در یک سطح انتزاع قرار دارند، برای نمونه؛ حمایت از خردسالان و همچنین حفاظت از منافع اشخاص ثالث در مقابل خردسالان را می‌توان دو هدف عرضی تلقی نمود که در قانون مربوط به صلاحیت خردسالان مدنظر قرار گرفته‌اند.^{۴۵} اهداف طولی نیز به حالتی اشاره دارند که برای یک قانون چندین هدف با درجات اهمیت مختلف تعریف شده باشد. برای مثال جلوگیری از به سرقت رفتن اموال را در قانون «ممنوعیت سرقت» به عنوان هدف اولیه تعیین نمود و هدف بعدی نیز احتمالاً تأدیبات سارقان و اصلاح جامعه بوده است.^{۴۶}

در نهایت از جهت مرجع واجد هدف، می‌توان اهداف را به ذهنی و عینی تقسیم می‌شوند. هدف ذهنی به قصد واقعی قانونگذار در زمان تصویب قانون اشاره دارد و مبتنی بر نیت درونی اوست،^{۴۷} حتی اگر در متن صراحتاً بیان نشده باشد. این هدف با مراجعه به منابع خارجی مانند مذاکرات پارلمانی قابل کشف است. در مقابل، هدف عینی از متن قانون و چهارچوب نظام حقوقی استنباط می‌شود و ناظر بر زمان حال است. این هدف به ارزش‌ها و اهدافی توجه می‌کند که یک متن قانونی در یک نظام دموکراسی باید محقق کند.^{۴۸} به طور کلی در هدف عینی، مفسر به مثابه یک واقعیت عینی به قاعده حقوقی توجه می‌کند نه یک واقعیت ذهنی. این هدف از طریق عناصر متنی مانند عنوان قانون، مقدمه، فصول مرتبط یا دلالت‌های منطقی ناشی از قرائت نظام‌مند متن استنباط می‌شود و بر این فرض استوار است که قانونگذار خردمند همواره به دنبال ایجاد آثار معنادار و مفید بوده است و مقصود او از وضع قاعده، ایجاد معانی لغو و بی‌فایده نبوده است؛ که همین ویژگی هدف‌محور ممکن است در مواردی به تفسیر موسع یا مضیق قاعده حقوقی بینجامد.^{۴۹}

۱-۵- انتقادات وارده بر مکتب تفسیری هدف‌گرا

نخست: اولین انتقاد وارده بر این مکتب تفسیری، چالش انسجام هدف قانونی است. برخی معتقدند قانون‌گذاری فرآیندی جمعی است و نمایندگان با اهداف متفاوت در تصویب قوانین مشارکت دارند، بنابراین تشخیص «قصد جمعی» دشوار است و ممکن است قانون فاقد هدف واحد باشد.^{۵۰} در حالیکه اگرچه تشخیص هدف واحد در قوانین چالش‌برانگیز است، اما این به معنای بی‌فایده بودن تفسیر هدف‌گرا نیست. متن قانون به‌عنوان محصول نهایی، بیانگر اهدافی است که اکثریت نمایندگان بر سر آن توافق کرده‌اند، حتی اگر انگیزه‌های فردی متفاوت باشد.^{۵۱} باراک استدلال می‌کند که مفسر باید به جای تمرکز بر نیت فردی، به «اهداف اجتماعی و جمعی» توجه کند که در متن قانون متجلی شده است.^{۵۲} همچنین، فرآیند قانون‌گذاری ذاتاً مبتنی بر مصالحه و توافق است، بنابراین متن نهایی

45- Aharon Barak 2005. Purposive Interpretation in Law. Princeton University Press. 114.

۴۶- رضا پورمحمدی، درآمدی بر تفسیر حقوقی (قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۲)، ۱۱۴.

47- Mia Swart 2010. "Is There a Text in This Court? The Purposive Method of Interpretation and the ad hoc Tribunals." Zeitschrift für ausländisches öffentliches Recht und Völkerrecht (Heidelberg Journal of International Law), 70(3). 767-787.781.

48- Michael Herz. 2009. "Purposivism and Institutional Competence in Statutory Interpretation." Benjamin N. Cardozo School of Law, Jacob Burns Institute for Advanced Legal Studies Working Paper Series, no. 267.1-32.4.

۴۹- خلف رضایی، حسین، «رویکردهای تفسیر قانون اساسی؛ با نگاهی به نظریات شورای نگهبان»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال سوم، شماره ۷، (۱۳۹۳)، ۷۳-۹۳، ۸۵.

50- Awana, Vijay. (2020). "Jurisprudential Aspects and Significance of Rule of Purposive Interpretation". International Journal of Legal Science and Innovation, 2, no. 2 (2020), 46-54.53.

51- Stack, Kevin M. (2015). "Purposivism in the Executive Branch: How Agencies Interpret Statutes". Northwestern University Law Review, 109, no. 4 (2015), 871-932.914.

52- Ammann, Odile. (2019). The interpretative methods of international law: What are they, and why use them? In The Methods of Interpretation of International Law. 9-31. Brill Nijhoff.209.

53- Aharon Barak, Purposive Interpretation in Law (Princeton: Princeton University Press, 2005), 265.

قانون را می‌توان حاوی اهداف مشترک دانست.

دوم: یکی از اصلی‌ترین انتقادات به روش تفسیر هدف‌گرا، این است که این روش به فضات قدرت زیادی می‌دهد و تعادل بین قوای سه‌گانه را به هم می‌زند. منتقدان از دو جهت به این موضوع نگاه می‌کنند: از یک نظر، آنها می‌گویند وقتی قضات بر اساس «اهداف قانون» تصمیم می‌گیرند، در واقع از کار خودشان که تفسیر قانون است فراتر رفته، و به قلمرو قانونگذاری قدم می‌گذارند.^{۵۴} این کار اصل تفکیک قوا را زیر سؤال می‌برد. از نظر دیگر، این نگرانی وجود دارد که «هدف قانون» چیزی مبهم است و هر قاضی ممکن است برداشت شخصی خودش را به جای هدف واقعی قانون‌گذار بگذارد.^{۵۵} یا به عبارت دیگر یکی از دشوارترین چالش‌های پیش‌روی تفسیر هدف‌گرا، خطر آمیختگی «هدف واقعی و اصیل قانونگذار» با «تمایل، پیش‌فرض و ارتکاز ذهنی مفسر» است. پرسش کلیدی این است که معیار تشخیص و تمییز این دو از یکدیگر چیست و چگونه می‌توان تضمین کرد که آنچه به عنوان هدف قانونگذار معرفی می‌شود، انعکاسی از خواست او باشد و نه خواست مفسر؟

در پاسخ به نگرانی اول می‌توان گفت: اولاً، هدف اصلی تفسیر هدف‌گرا، قانون‌سازی نیست، بلکه درک درست و عمیق‌تر قوانینی است که از قبل وجود دارند. این روش به قضات کمک می‌کند تا روح قانون را بفهمند، نه اینکه قانون جدیدی بنویسند. همچنین تفکیک قوا به معنای جدایی مطلق قوای حکومت از هم نیست. همانطور که متفکرانی مانند منتسکیو و مدیسون نیز اشاره کرده‌اند، همکاری و تعامل بین قوا برای اداره کشور ضروری است.^{۵۶} تفسیر هوشمندانه و انعطاف‌پذیر قوانین توسط قضات، باعث می‌شود سیستم حقوقی بتواند خود را با نیازهای در حال تغییر جامعه هماهنگ کند، بدون اینکه فضات بخواهند جای قانون‌گذاران بنشینند.^{۵۷}

همچنین در خصوص چالش و پرسش دوم یعنی تعیین یک معیار برای تشخیص و تمییز هدف واقعی قانونگذار از ارتکاز ذهنی مفسر می‌توان بیان داشت تعیین یک معیار برای تشخیص و تمییز هدف واقعی قانونگذار از ارتکاز ذهنی مفسر در بهره‌گیری از شواهد و قراین عینی و مستند نهفته است. این معیارها شامل مراجعه به اسناد مقدماتی قانون (مانند گزارش‌های توجیهی، صورت‌جلسات مجلس و اظهارات مقنن)، تفسیر نظام‌مند و هماهنگ با کل قانون، توجه به اصول مسلم حقوقی و ارزش‌های بنیادین حاکم بر نظام تقنینی و سیر تاریخی قانونگذاری در آن موضوع می‌باشد. استناد به این ابزارهای قابل بررسی و اثبات‌پذیر، تفسیر هدف‌گرا را از قلمرو ذهنیت خارج کرده و آن را به فرآیندی مبتنی بر استدلال و قابل دفاع تبدیل می‌کند. و به عبارت دیگر قاضی نمی‌تواند هر برداشتی که دوست دارد داشته باشد، بلکه باید با مطالعه منابعی مانند متن قانون، صورت‌جلسات مجلس، استدلالی ارائه دهد که هر نماینده معقولی در مجلس می‌تواند با آن موافق باشد. به عبارت ساده، قاضی باید بتواند ثابت کند که تفسیر او، همان هدفی است که قانون‌گذاران در نظر داشته‌اند.^{۵۸}

سوم: انتقاد دیگر به تفسیر هدف‌گرا، کاهش قطعیت و پیش‌بینی‌پذیری قانون و ایجاد ابهام برای وکلا در مشاوره حقوقی است، و برخی استدلال می‌کنند که تفسیر هدف‌گرا با گسترش دامنه تفسیر قضایی، ممکن است قطعیت قانون را تضعیف کند.^{۵۹} همچنین، این روبه می‌تواند برای وکلا در ارائه مشاوره حقوقی چالش برانگیز باشد، زیرا تشخیص هدف دقیق قانون دشوار شده و موکلان با ابهام مواجه می‌شوند.

⁵⁴- Ibrahim, U., & Akinde, Z. (2024). "Purposive approach to statutory interpretation: Comparative analysis and impact on Nigerian legislative drafting". *Nnamdi Azikiwe University Journal of Commercial and Property Law*, 11 (1), 49–62.52

^{۵۵} - جلیل امیدی، تفسیر قانون در حقوق جزا(تهران: نشر مخاطب، ۱۳۹۴)، ۶۷.

⁵⁶ - Eskridge, William N., Jr., & Frickey, Philip P. (1994). Foreword: Law as equilibrium. *Harvard Law Review*, 108, no. 1 (1994), 26–108.1501.

⁵⁷- *ibid.* 1524.

⁵⁸- Spano, Robert R. (2010). "Some Theoretical Reflections on Statutory Interpretation with an Emphasis on Purposive Interpretation in Law and Its Limits." Seminar Paper presented at Bergen, June 7-9, 8-9.

⁵⁹- Awana, Vijay. (2020). "Jurisprudential Aspects and Significance of Rule of Purposive Interpretation". *International Journal of Legal Science and Innovation*, 2, no. 2 (2020), 46–54.54.

با این حال، این انتقادات قابل پاسخ‌گویی هستند؛ زیرا اگر تفسیر هدف‌گرا به صورت روش‌مند و مبتنی بر منابع معتبری مانند متن قانون، مذاکرات مجلس، گزارش‌های کمیته‌های تخصصی، صورتجلسات و رویه‌های قضایی پیشین انجام شود، نه تنها قطعیت قانون را کاهش نمی‌دهد، بلکه به شفافیت بیشتر مقصود قانون‌گذار کمک می‌کند. علاوه بر این، برای رفع نگرانی ویژه وکلا و موکلان می‌توان به این نکته اشاره کرد که تفسیر هدف‌گرا، هنگامی که در چارچوب یک رویه قضایی منسجم و قابل پیش‌بینی تثبیت شود، خود به عاملی برای افزایش قطعیت تبدیل می‌گردد. در این حالت، وکلا می‌توانند با مطالعه آرای محاکم که همگی بر اساس تحلیل یکسان و مستندی از اهداف قانون‌گذاری صادر شده‌اند، رویه معینی را پیش‌بینی کرده و مشاوره دقیق‌تری ارائه دهند. این وضعیت بسیار قابل اعتمادتر از سیستم‌هایی است که در آن‌ها قضات صرفاً به ظاهر الغبای قانون پایبند می‌مانند، اما در عمل با تفسیرهای ظاهرگرایانه متعارض و غیرقابل پیش‌بینی مواجه می‌شوند. لذا مشکل اصلی زمانی رخ می‌دهد که تفسیر بدون ضابطه و خارج از چارچوب‌های حقوقی صورت گیرد یا دسترسی به منابع معتبر محدود باشد. بنابراین، چالش اصلی نه در ذات تفسیر هدف‌گرا، بلکه در اجرای نادرست یا کمبود منابع قابل استناد است.

چهارم: در نهایت شناسایی هدف قانون‌گذار فرآیندی پیچیده و گاه ناممکن است، زیرا معیارهای روشنی برای تشخیص آن وجود ندارد.⁶⁰ و همین امر موجب می‌شود کشف هدف قانونگذار دشوار باشد. لیکن می‌توان عنوان داشت که در مواردی که کشف قصد ذهنی قانون‌گذار دشوار است، مفسران به «هدف عینی» متوسل می‌شوند؛ یعنی هدفی که یک قانون‌گذار معقول در آن شرایط می‌توانست داشته باشد.⁶¹ این هدف از طریق تحلیل متن قانون، اصول حقوقی، و ارزش‌های نظام حقوقی استنباط می‌شود و از ذهنیت‌گرایی جلوگیری می‌کند.

۲- تفسیر هدف‌گرا در دکترین و رویه قضایی ایران

در دکترین حقوقی و همچنین رویه‌ی قضایی ایران (نظریات مشورتی و آرای وحدت رویه)، موارد متعددی وجود دارد که حقوقدانان و یا دادگاه‌ها به‌جای تکیه‌ی صرف بر الفاظ قانون، به اهداف و مقاصد قانون‌گذار استناد کرده‌اند که نشان‌دهنده‌ی گرایش به سمت هدف‌گرایی است، و در ادامه به تفصیل به آنها پرداخته می‌شود.

۲-۱- تفسیر هدف‌گرا در دکترین حقوقی ایران

ابتدا باید گفت که تفسیر بر اساس غایت و هدف در حقوق ایران، از جمله اصول ۱ تا ۱۱ قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است، و اصل سوم قانون اساسی نیز به صراحت اهداف دولت جمهوری اسلامی را مشخص کرده است.⁶² برای مثال در اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانونگذار هر چند از «اهداف قانون» به صورت صریح نام برده نشده است لیکن به اهداف کلی نظام اشاره شده است، این اصل بیشتر وظایف و تعهدات دولت را برای تحقق اهداف مذکور در «اصل دوم» (مبتنی بر ایمان، عدالت، تقوا و مبارزه با ظلم) بیان می‌کند. همچنین بند ۷ اصل سوم یعنی «تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» نشان‌دهنده محدوده قانونی آزادی‌ها است و بند ۱۰ اصل «ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضروری» با هدف قانونی اصلاح ساختار اداری است.

در بند ۱۴ این اصل نیز یعنی «تامین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در

⁶⁰- Sales, Philip James. (2024). "The Role of Purpose in Legislative Interpretation: Inescapable but Problematic Necessity". Oxford University and University of Notre Dame Seminar on Public Law Theory: Topics in Legal Interpretation, 1-19.4.

⁶¹- Herz, Michael. (2009). "Purposivism and Institutional Competence in Statutory Interpretation". Benjamin N. Cardozo School of Law, Jacob Burns Institute for Advanced Legal Studies Working Paper Series, no. 267 (2009), 1-32.8-9.

⁶² - افشار، سجاد، «رهیافت مولف‌گرا در تفسیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۷، ۲۰، (۱۳۹۷)، ۴۹-۷۰، ۵۷.

برابر قانون» تاکید بر حاکمیت قانون و عدالت قضایی دارد. لذا اصل سوم هر چند بیشتر وظایف دولت را مشخص می‌کند، اما برخی بندها (مانند ۷، ۱۰ و ۱۴) به صورت غیرمستقیم به حاکمیت قانون و اهداف نظام حقوقی اشاره دارند. همچنین در بین حقوقدانان ایرانی نیز به تفسیر قانون بر اساس هدف قانونگذار پرداخته شده است که با صرفنظر از صحت و سقم چنین تفاسیری در اینجا به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود.

از حقوقدانان مطرح ایران در حقوق مدنی می‌توان از روش تفسیر دکتر حسن امامی یاد کرد. این حقوقدان معتقد است در تفسیر قانون مدنی باید از روش تفسیری استفاده کرد که از اعتدال حقوقی خارج نگردد در حالیکه هم احتیاجات کنونی افراد را برطرف نماید و هم روح قوانین که مبنای اصول و قواعد حقوق مدنی رعایت شود را مطابق با تفسیر اجتماعی و کارکرد گرا تلقی نموده‌اند زیرا که در هر حال این حقوقدان اراده قانونگذار و قانون را لازم الاتباع می‌دانند.^{۶۳} همچنین یکی دیگر از اساتید برجسته حقوق مدنی در تفاسیر خود از مباحث حقوقی، همواره هدف قانونگذار را ملاک تفسیر قرار داده‌اند. این حقوقدان معتقد است: کاوش در یافتن حکم عادلانه، در واقع تلاش برای جستجوی هدف و اراده قانون‌گذار است، و نماد خارجی این عدالت قانون است که همواره تفسیر می‌بایست بر مبنای اراده مفروض قانونگذار محقق شود.^{۶۴} همچنین بیان می‌کند: «هدفی که دولت به دنبال آن قاعده وضع می‌کند در ایجاد و چگونگی مفاد آن بسیار موثر است و در واقع رهبر و راهنمای قانونگذار است.»^{۶۵} این حقوقدان معتقد است تحولات جامعه موجبات کهنگی قوانین را به همراه دارد و التزام به هدف اجتماعی قانونگذار سابق، بالاخص در قوانین قدیمی، مانع از پیشرفت جامعه می‌گردد. لیکن راه حل ایشان برای حل این معضل، تفسیر بر مبنای هدف اجتماعی قانونگذار فعلی یا تفسیر بر مبنای اراده قانونگذار جدید است.^{۶۶} به طور کلی در آثار این حقوقدان، تمایل به هدف‌گرایی مشهود است.^{۶۷} لیکن با این وجود در برخی از تفاسیر، تمایل این حقوقدان به عمل‌گرایی نیز مشهود است.^{۶۸}

همچنین برخی از اساتید حقوق کیفری، نیز در آثار خود به تفسیر هدف‌گرایی تمایل داشته‌اند. برای نمونه یکی از این حقوقدانان در مبحث تفسیر قوانین کیفری عنوان می‌کند: روش فوستن هلی حقوقدان فرانسوی بهترین روش است که اذعان می‌دارد: تفسیر قانون جزا باید «توضیحی» و «اعلام‌کننده نیت واقعی مقنن باشد»، و قاضی باید با مراجعه به گزارش‌های توجیهی و امور مقدماتی و مجادله و مباحثه نمایندگان مجالس قانونگذاری، قصد و هدف واقعی قانونگذار را کشف نماید و در موارد ابهام و اجمال مطابق آنها تصمیم‌گیری نماید، زیرا که این نوع تفسیر بهترین نوع تفسیر است و از یک سو؛ قاضی در موارد ابهام و اجمال در معانی ظاهری واژگان زندانی نمی‌شود و از سوی دیگر از حدود متعارف قانون و از مجموعه هم‌آهنگ آن تجاوز نمی‌نماید، و در این نوع تفسیر قاضی سعی می‌کند که در چهارچوب قانون و تحت راهنمایی‌های قانونی به منظور و مقصود مقنن پی‌برد و همان را در موارد ابهام و اجمال مورد عمل قرار دهد.^{۶۹} هرچند اصطلاح «نیت واقعی مقنن» در ظاهر به قصدگرایی اشاره دارد، اما با توجه به تاکید ایشان بر کشف «هدف واقعی قانونگذار» و تفسیر هماهنگ با مجموعه قانون، و همچنین اشاره به «منظور و مقصود مقنن» به نظر می‌رسد هدف‌گرایی ذهنی بوده است که ضمن توجه به اسناد تاریخی، به اهداف کلان قانون نیز نظر دارد. رویکردی که با تفکیک میان قصد (ناظر به الفاظ) و هدف

^{۶۳} - محمد مهدی الشریف، منطق حقوق (پژوهشی در منطق حاکم بر تفسیر و استدلال حقوقی) (تهران: سهامی انتشار، ۱۴۰۰)، ۴۸۱-۴۸۲.

^{۶۴} - ناصر کاتوزیان، شیوه تجربی تحقیق در حقوق (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۹)، ۵۷-۵۸.

^{۶۵} - ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴)، ۳۵.

^{۶۶} - محمد مهدی الشریف، پیشین، ۳۶۶-۳۶۷.

^{۶۷} - رضا پورمحمدی، درآمدی بر تفسیر حقوقی (قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۲)، ۱۱۲.

^{۶۸} - همان، ۱۵۶.

^{۶۹} - مرتضی محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی، جلد اول (تهران: گنج دانش، ۱۳۹۶)، ۳۳۹.

(ناظر به سیاست کلی قانون) که در مباحث پیشین بیان شد نیز، همخوانی دارد.

همچنین یکی دیگر از نویسندگان در حوزه تفسیر در قوانین کیفری، تقسیم‌بندی تفسیر به دو رویکرد لفظی و رویکرد منطقی و هدف‌گرا بوده است.^{۷۰} هرچند که به نظر می‌رسد رویکرد هدف‌گرایی ایشان بیشتر بر پایه تفسیر منطقی استوار است که اعم از تفسیر بر پایه اهداف قانونگذار و قواعد دیگر است، لیکن با این وجود هدف‌گرایی در تفسیر قوانین کیفری را همواره مدنظر داشته‌اند.

البته تفسیر هدف‌گرایی در قوانین کیفری صرفاً محدود به موارد یاد شده نبوده است و بلکه در آثار دیگر حقوقدانان کیفری نیز هدف‌گرایی با به کار بردن الفاظ مشابه از جمله تفسیر غایی مورد توجه قرار گرفته است، و عنوان می‌کنند؛ منظور نمودن علت وضع ماده یکی از ارکان تفسیر غایی است، و علت وضع ماده آن چیزی است که حکم بر پایه آن استوار است، به نحوی که اگر علت وضع ماده تحقق یابد حکم نیز ثابت خواهد بود و در غیر آن حکم نیز منتفی است. این حقوقدان پیشنهاد می‌کند دادگاه می‌تواند با مراجعه به لوایح و پیشنهادها و به طور کلی کارهای مقدماتی تهیه قانون، و نیز ملاحظه تناسب حکم و موضوع ماده قانون، علت وضع ماده را بیاید و به آن استناد کند. همچنین به رای وحدت رویه دیوان عالی کشور (حکم شماره ۱۲ - ۶۴/۳/۲۰) اشاره می‌شود که در آن علت وضع ماده مبنای تفسیر است.^{۷۱} شایان ذکر است علت وضع ماده همان فلسفه وجودی، وضع ماده است که به اهداف قانونگذار در تصویب آن ماده قانونی مورد بحث اشاره دارد.

همچنین برخی از حقوقدانان در حوزه حقوق کیفری در آثار خود و در تفسیر برخی از موضوعات مجرمانه از تفسیر هدف‌گرایی بهره‌مند شده‌اند. برای نمونه یکی از حقوقدانان در تفسیر بزه ایراد ضرب و جرح بیان می‌کند: «ضرب و جرح» علیه تمامیت جسمانی معنای اصطلاحی خاصی همانند؛ زدن بدون پارگی و یا زدن با پارگی پوست و گوشت را به همراه دارد ولیکن؛ اعمالی مانند افکندن اشعه یا دادن دارو مضر، مشمول این دو واژه نمی‌گردد. حال در این جا باید دید علت جرم انگاری این دو مورد چه بوده است و با توجه به اینکه هدف قانونگذار، به طور کلی حمایت از حق سلامت افراد بوده است لذا این علت اقتضا دارد که هر گونه عملی که سلامت دیگران را مختل کرده و سیر عادی فعالیت اعضای خارجی و یا داخلی بدن را برهم زند، مشمول این دو عنوان خواهد بود.^{۷۲}

یا حقوقدان دیگر در خصوص ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، با موضوع جرم انگاری تحصیل مال مسروقه، در اینکه آیا این ماده شامل خود سارق نیز می‌شود یا خیر؟ معتقد است تحلیل هدف قانونی و ساختار زبانی این ماده حکایت از آن دارد که پاسخ باید منفی باشد... زیرا مقصود قانونگذار از وضع این ماده مقابله با افرادی غیر از سارقان مستقیم بوده است - کسانی که در حقیقت عاملان اصلی و تحریک‌کنندگان اغلب سرقت‌ها محسوب می‌شوند، نه رویارویی با سارقان عادی که برای آنها در مواد دیگر کیفرهای مناسب در نظر گرفته شده است.^{۷۳}

نمونه‌های متعدد دیگری در آثار حقوقدانان وجود دارد که از حوصله بحث خارج است لیکن به طور کلی می‌توان بیان داشت که این نگاه هدف‌گرا در تفسیر قانون، که در میان حقوقدانان ایرانی ریشه دوانیده، تنها به قوانین موضوعه بشری محدود نمانده و در سپهر حقوق اسلامی، با نظریه عمیق‌تری درباره علل و اهداف تشریح احکام پیوند می‌خورد. بر اساس مبانی کلامی امامیه، میان علت تشریح حکم و هدف آن ارتباط وثیقی وجود دارد. توضیح این که بنابر مذهب امامیه، احکام تابع مصالح و مفاسد واقعی‌اند؛ یعنی بر وقوع هر فعلی آثاری مترتب می‌شود که برای فرد یا جامعه یا هر دو دارای مصالح یا مفاسدی است و همین مصالح یا مفاسد، علت جعل حکم است. از سوی دیگر، هدف شارع از جعل حکم وجوب یا حرمت یک عمل، دستیابی به همان مصالح یا پرهیز از همان مفاسد مترتب بر

۷۰ - جلیل امیدی، تفسیر قانون در حقوق جزا (تهران: نشر مخاطب، ۱۳۹۴)، ۵۸.

۷۱ - محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲)، ۲۲۶.

۷۲ - عباس زراعت، حقوق جزای عمومی ۱ و ۲ (تهران: جاودانه، ۱۳۹۴)، ۵۹-۶۰.

۷۳ - حسین میرمحمدصادقی، حقوق کیفری اختصاصی (۲) جرایم علیه اموال و مالکیت (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲)، ۳۸۱.

آن عمل است. بنابراین، چنان چه در علل احکام ابهامی وجود داشته باشد، این ابهام به اهداف یا مقاصد احکام نیز سرایت می‌کند، زیرا هدف، چیزی جز جذب و دفع همان علل نیست.^{۷۴}

۲-۲- هدف‌گرایی در نظریات مشورتی اداره کل امور حقوقی

اداره کل امور حقوقی قوه قضائیه، در چارچوب وظایف خود برای ارائه نظریات مشورتی، در استنباط از قوانین عادی بارها به مقاصد قانونگذار استناد کرده است. این بخش با بررسی نمونه‌هایی از نظریات این اداره، نشان می‌دهد که چگونه روش تفسیر هدف‌گرا در استدلال‌ها و استنباط‌های اداره کل امور حقوقی قوه قضائیه نیز نهادینه شده است.

نخست: از اداره حقوقی قوه قضائیه سوال شده است: «در ماده ۵۵۵ قانون تعزیرات وقتی قانون‌گذار از مامورین دولتی اسم می‌برد آیا منظور فقط مامورین دولت ایران هستند؟ و اگر مثلاً کسی خود را به دروغ به عنوان کارمند سفارت خارجی در ایران معرفی کند مشمول بزه مزبور خواهد بود؟» این اداره نیز در پاسخ به این سوالات هدف قانون را ملاک تفسیر قرار داده است و عنوان نموده است: «فلسفه و هدف مقنن از وضع ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) ۱۳۷۵ تحت عنوان غصب عناوین و مشاغل، حفظ اعتبار مامورین دولت جمهوری اسلامی ایران است و مجازات مقرر در این ماده نیز صرفاً در خصوص مرتکبین غصب عناوین و مشاغل دولتی دولت جمهوری اسلامی ایران اعم از کشوری یا لشکری یا انتظامی قابل اعمال است و به مرتکبین غصب عناوین و مشاغل دولتی دولت‌های خارجی قابل تسری نیست.»^{۷۵}

دوم: همچنین از اداره حقوقی قوه قضائیه سوال شده است: «در تبصره ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ یکی از معاذیر قانونی برای راشی طرح شکایت است. سوال: اگر راشی پس از اینکه تحت پیگرد قانونی قرار گرفت در حین دفاع اعلام شکایت نماید نیز بایستی این طرح شکایت را به عنوان عذر قانونی پذیرفت یا اینکه منظور مقنن طرح شکایت قبل از تعقیب قانونی راشی بوده است؟» این اداره نیز در پاسخ عنوان می‌کند: «تبصره ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ در خصوص معافیت راشی در مجازات با هدف تشویق به افشای فساد اداری جهت مبارزه با آن و رفع نگرانی از افشای این امر وضع شده است. لذا در وضعیتی که موضوع به طریق دیگری افشا و تحت تعقیب و بررسی قرار گرفته است، شکایت بعدی راشی تأثیری در برآوردن هدف مذکور نداشته و مشمول معافیت تبصره مذکور نیست.»^{۷۶}

سوم: همچنین از این اداره سوال شده است: «در ماده ۵۵۵ قانون تعزیرات وقتی قانون‌گذار از مامورین دولتی اسم می‌برد آیا منظور فقط مامورین دولت ایران هستند؟ و اگر مثلاً کسی خود را به دروغ به عنوان کارمند سفارت خارجی در ایران معرفی کند مشمول بزه مزبور خواهد بود؟» این اداره در پاسخ عنوان می‌کند: «فلسفه و هدف مقنن از وضع ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) ۱۳۷۵ تحت عنوان غصب عناوین و مشاغل، حفظ اعتبار مامورین دولت جمهوری اسلامی ایران است و مجازات مقرر در این ماده نیز صرفاً در خصوص مرتکبین غصب عناوین و مشاغل دولتی دولت جمهوری اسلامی ایران اعم از کشوری یا لشکری یا انتظامی قابل اعمال است و به مرتکبین غصب عناوین و مشاغل دولتی دولت‌های خارجی قابل تسری نیست.»^{۷۷}

التهایه با توجه به نظریات مشورتی ارایه شده که تنها بخش کمی از نظریات مشورتی می‌باشند که مطابق هدف قانون به تفسیر پرداخته شده است، می‌توان گفت: با بررسی نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه، یک اصل کلیدی در تفسیر قوانین کیفری به‌وضوح مشاهده می‌شود، و آن نیز توجه به «هدف قانونگذار» به‌عنوان ملاک اصلی تفسیر است.

^{۷۴}- جلال الدین قیاسی، مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی (قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵)، ۱۰۳.

^{۷۵}- نظریه مشورتی شماره ۱۵۹/۱۴۰۱/۷ مورخ ۱۴۰۱/۰۴/۱۱ اداره کل حقوقی قوه قضائیه.

^{۷۶}- نظریه مشورتی شماره ۳۱۲۳/۹۶/۷ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۰ اداره کل حقوقی قوه قضائیه.

^{۷۷}- نظریه مشورتی شماره ۱۵۹/۱۴۰۱/۷ مورخ ۱۴۰۱/۰۴/۱۱ اداره کل حقوقی قوه قضائیه.

۲-۳- هدف‌گرایی در آرای وحدت رویه

دیوان عالی کشور به عنوان عالی‌ترین مرجع قضایی، در آرای وحدت رویه خود گاه با عبور از ظاهر الفاظ قانون، به اهداف قانون‌گذار توجه کرده است. در ذیل تعدادی از آرای وحدت رویه که بر مبنای هدف قانون صادر شده‌اند ذکر خواهد شد.

نخست: در تفسیر بند «پ» ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر که قانون‌گذار مقرر می‌دارد: «پ- مواردی که مرتکب به علت ارتکاب جرائم موضوع این قانون، سابقه محکومیت قطعی اعدام یا حبس ابد یا حبس بیش از پانزده سال داشته باشد.» و تاثیر «عفو یا تخفیف مجازات اعطاشده توسط مقام رهبری در محاسبه سابقه محکومیت قطعی» از شعب ۳۶ و ۴۵ دیوان عالی کشور آرای مختلفی صادر شد. با این توضیح که شعبه ۳۶ دیوان عالی کشور معتقد بود در صورت تقلیل مجازات اولیه (مثلاً از ۱۵ سال به ۷ سال) بر اثر عفو، سابقه محکومیت باید بر اساس مجازات نهایی پس از عفو محاسبه شود و در نتیجه، شرط «سابقه محکومیت قطعی به بیش از ۱۵ سال حبس» منتفی می‌شود. در مقابل، شعبه ۴۶ دیوان با عدم لحاظ عفو در محاسبه سابقه، حکم دادگاه بدوی (که متهم را با استناد به مجازات اولیه پیش از عفو، مشمول مجازات اعدام دانسته بود) را تایید کرده بود.

این تعارض تفسیری، موجب طرح موضوع در هیات عمومی دیوان عالی کشور شد، و در نهایت هیات عمومی دیوان عالی کشور اعلام نمود: «با توجه به اینکه قانونگذار در صدر ماده ۴۵ الحاقی (مورخ ۱۳۹۶/۰۷/۱۲) به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷/۰۸/۰۳ و اصلاحات بعدی، با هدف کاهش مجازات‌های اعدام مقرر در این قانون، تعیین این مجازات را مشروط به احراز یکی از شرایط ذیل این ماده کرده است و با عنایت به لزوم تفسیر مضیق نصوص جزایی، مبنای محاسبه «سابقه محکومیت قطعی» مذکور در بند پ ماده یاد شده، «محکومیت قابل اجرا» پس از اعمال نهادهای ارفاقی از جمله عفو یا تخفیف مجازات از سوی مقام رهبری است. بنا به مراتب، رای شعبه سی و ششم دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء، صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رای طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.^{۷۸}»

دوم: در خصوص ماده ۴۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر می‌دارد: «هرگاه رای دیوان عالی کشور مبنی بر تجویز اعاده دادرسی باشد یا طبق ماده (۴۷۷) اعاده دادرسی پذیرفته شده باشد اجرای حکم تا صدور حکم مجدد به تعویق می‌افتد و چنانچه از متهم تأمین اخذ نشده و یا تأمین منتفی شده باشد یا متناسب نباشد، دادگاهی که پس از تجویز اعاده دادرسی به موضوع رسیدگی می‌کند، تأمین لازم را اخذ می‌نماید. تبصره- در صورتی که مجازات مندرج در حکم، از نوع مجازات سالب حیات یا سایر مجازات‌های بدنی باشد، شعبه دیوان عالی کشور با وصول تقاضای اعاده دادرسی قبل از اتخاذ تصمیم درباره تقاضا، دستور توقف اجرای حکم را می‌دهد.» تفاسیر مختلفی توسط شعب ۳۴ و ۳۷ دیوان عالی کشور به عمل آمد به نحوی که شعبه ۳۴ دیوان عالی کشور با این استدلال که پرونده «معد صدور رای» است، اعمال این تبصره را ضروری ندانسته و مستقیماً به رد درخواست اعاده دادرسی اقدام نمود، لیکن شعبه ۳۷ دیوان عالی کشور، صرفاً با توجه به نوع مجازات (شلاق) و بدون بررسی ماهیت پرونده، ابتدا دستور توقف اجرای حکم را صادر کرد و سپس به بررسی ماهوی پرداخت.

این تفاوت رویه در تفسیر و اجرای تبصره ماده ۴۷۸، موجب طرح موضوع در هیات عمومی دیوان عالی کشور برای ایجاد وحدت رویه شد و در نهایت هیات عمومی دیوان عالی کشور مقرر داشت: «غایت و هدف قانون‌گذار از وضع تبصره اصلاحی ذیل ماده ۴۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ این است که احکامی که پس از اجراء، قابل تدارک و جبران نیست و نسبت به آن تقاضای اعاده دادرسی شده قبل از حصول نتیجه تقاضا موقتاً به موقع اجراء گذارده نشود. بر این مبنای و با توجه به قابلیت اجرای احکام قطعی

^{۷۸} - رای وحدت رویه شماره ۸۲۶ مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۲۴ هیات عمومی دیوان عالی کشور.

کیفری، شعبه دیوان عالی کشور برای صدور دستور توقف اجرای حکم ابتدا باید درخواست را بررسی و ملاحظه و چنانچه نظر اعضای شعبه بر رد درخواست باشد صدور دستور توقف اجرای حکم امر بی فایده و لغوی است و به این جهت صدور این دستور در چنین مواردی به دلالت عقلی موافق مقصود قانون گذار نبوده و موضوعاً از شمول حکم مقرر در تبصره مذکور خارج است. براین اساس، رای شعبه سی و چهارم دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد صائب و موجه تشخیص می‌گردد. این رای طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عالی کشور لازم‌الاتباع است.^{۷۹}»

و همچنین آرای وحدت رویه دیگر از جمله شماره‌های ۷۳۴ در مورد زیان‌دیدگان حوادث رانندگی، رای وحدت رویه شماره ۸۲۳ در مورد تسلیم به رای، رای شماره ۸۳۴ در مورد مجازات حبس بیش از حداقل، رای وحدت رویه شماره ۸۳۵ در مورد شهادت کذب در دادسرا و همچنین آرای وحدت رویه متعدد دیگری وجود دارد که در آنها هدف قانون‌گذار ملاک تفسیر قرار گرفته است که مجالی برای ذکر آنها نیست لیکن نشان می‌دهد که در آرای وحدت‌رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور، «هدف قانون» و «فلسفه وضع آن» به عنوان مبنای اصلی تفسیر قوانین در موارد تعارض یا ابهام مورد توجه قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

مکتب تفسیری هدف‌گرایی با تمرکز بر کشف و تحقق اهداف قانون‌گذار، رویکردی پویا و هدف‌محور در تفسیر قوانین کیفری ارائه می‌دهد. این مکتب بر مبنای همچون تبعیت از اراده عقلانی مقنن، پویایی حقوق، عدالت‌محوری و توجه به روح قانون استوار است و با ویژگی‌هایی مانند انعطاف‌پذیری و تلفیق روش‌های تفسیری، امکان انطباق قوانین با تحولات اجتماعی را فراهم می‌کند. با این حال، انتقاداتی مانند ابهام در تشخیص هدف واحد قانون‌گذار، خطر ذهنیت‌گرایی قضایی، و نگرانی از نقض تفکیک قوا مطرح شده است. این چالش‌ها با تکیه بر متن قانون، اصول کلی حقوقی، و اهداف عینی نظام حقوقی حاکم قابل مدیریت است. بررسی آثار دکتترین و رویه قضایی ایران (نظریات مشورتی و آرای وحدت‌رویه) حاکی از آن است که هدف‌گرایی به عنوان یک مکتب تفسیری مستقل، در حقوق کیفری ایران جایگاه قابل توجهی دارد و می‌تواند در پر کردن خلاءهای قانونی و انطباق قوانین با تحولات اجتماعی نقش موثری ایفا کند. همچنین برای بهره‌گیری هرچه بهتر از این مکتب و کاهش چالش‌های پیش‌رو، پیشنهاد می‌شود: اولاً، ضوابط و معیارهای روشن‌تری برای تشخیص اهداف قانون در چارچوب نظام حقوقی ایران، از طریق آرای وحدت‌رویه یا بخشنامه‌های قضایی تدوین گردد تا از تفسیرهای سلیقه‌ای و خودسرانه جلوگیری شود. ثانیاً، در متون آموزشی و دوره‌های توانمندسازی قضات، روش‌شناسی صحیح استنباط هدف قانونی و نحوه تعادل آن با اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، مورد تأکید و تدریس قرار گیرد. در غایت امر، تلفیق هوشمندانه این مکتب با دیگر اصول تفسیری، ضمن حفظ استحکام نظام قضایی، تضمین‌کننده تحقق عدالت ماهوی و پاسخگویی به مقتضیات زمان خواهد بود.

^{۷۹} - رای وحدت رویه شماره ۷۴۲ مورخ ۰۶/۰۵/۱۳۹۴ هیات عمومی دیوان عالی کشور.

الف) منابع فارسی

- آقایی‌نیا، حسین و هادی رستمی. حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اموال و مالکیت). چاپ دوم. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۷.
- ابن منظور، محمد بن مكرم. لسان العرب. جلد ۵. چاپ سوم. بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
- اردبیلی، محمدعلی. حقوق جزای عمومی. جلد ۱. چاپ سی ام. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲.
- افشار، سجاد (۱۳۹۷). «رهیافت مولف‌گرا در تفسیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۷(۲۰)، ۴۹-۷۰.
- امیدی، جلیل. تفسیر قانون در حقوق جزا. چاپ اول. تهران: مخاطب، ۱۳۹۴.
- الشریف، محمدمهدی. منطق حقوق: (پژوهشی در منطق حاکم بر تفسیر و استدلال حقوقی). چاپ ششم. تهران: سهامی انتشار، ۱۴۰۰.
- امینی، محمد، حسن پور بافرانی، محمدمهدی الشریف و مهدی شهبانی. «تبیین گستره اعتبار ظهور بدوی کلام مقنن، با نظر به مولفه‌های برتر تفسیری در حقوق مدنی و کیفری». پژوهش نامه حقوق اسلامی، سال بیست و ششم، شماره دوم، پیاپی ۶۸، (۱۴۰۴)، ۳۶۱-۴۰۲.
- پورمحمدی، رضا. درآمدی بر تفسیر حقوقی. چاپ اول. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۲.
- ترویه، میشل. فلسفه حقوق. ترجمه مرتضی کلانتریان. چاپ ششم. تهران: نشر آگه، ۱۴۰۰.
- جعفری لنگرودی، محمدمجعفر. ترمینولوژی حقوق. چاپ چهاردهم. تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۳.
- خالقی، علی. آیین دادرسی کیفری. ویرایش نهم. تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۲.
- خلف رضایی، حسین (۱۳۹۳). «رویکردهای تفسیر قانون اساسی؛ با نگاهی به نظریات شورای نگهبان». فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال سوم، شماره ۷۳-۹۳.
- زراعت، عباس. حقوق جزای عمومی ۱ و ۲. چاپ پنجم. تهران: جاودانه، جنگل، ۱۳۹۴.
- ظفری، محمدرضا (۲۰۱۸). «روشی برای درک متون حقوق جزا». مجله آنلاین اروپایی علوم طبیعی و اجتماعی، ۷(۴)، ۶۹۰-۶۹۶.
- قیاسی، جلال‌الدین. مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی. چاپ اول. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
- قیاسی، جلال‌الدین. روش تفسیر قوانین کیفری. چاپ دوم. قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۸.
- کاتوزیان، ناصر. مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران. چاپ چهل و پنجم. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴.
- کاتوزیان، ناصر. شیوه تجربی تحقیق در حقوق. چاپ اول. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۹.
- کاتوزیان، ناصر. فلسفه حقوق. جلد ۳. چاپ سوم. تهران: مؤسسه انتشاراتی گنج دانش، ۱۴۰۱.
- محسنی، مرتضی. دوره حقوق جزای عمومی. جلد ۱. چاپ پنجم. تهران: گنج دانش، ۱۳۹۶.
- محقق داماد، سید مصطفی و رضا پورمحمدی. تفسیر قانون؛ نظریات و قواعد تفسیری. چاپ اول. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۴۰۴.
- مدنی، سیدجلال‌الدین. رویه قضائی. چاپ هفتم. تهران: پایدار، ۱۳۸۶.
- میرمحمدصادقی، حسین. حقوق کیفری اختصاصی (۲) جرایم علیه اموال و مالکیت. چاپ سی و ششم. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲.
- نوبهار، رحیم. اصول فقه: مباحث الفاظ و قواعد تفسیر متن. چاپ سوم. تهران: نشر میزان، ۱۴۰۲.
- نوبهار، رحیم. «نگاهی نوگرایانه به فقه مقاصدی و چالش‌های پیش‌روی آن». مجله سخن ما، شماره هشتم، سال دوم، (۱۳۹۴)، ۸-۱.
- نوبهار، رضا. زمینه حقوق جزای عمومی. چاپ بیست و هشتم. تهران: گنج دانش، ۱۳۹۰.
- واعظی، احمد. هرمنوتیک حقوقی. چاپ دوم. قم: بوستان کتاب، ۱۴۰۱.

ب) منابع انگلیسی

- Ammann, Odile. (2019). The Interpretative Methods of International Law: What Are They, and Why Use Them? *In The Methods of Interpretation of International Law*, 1-25.
- Awana, Vijay. (2020). Jurisprudential aspects and significance of rule of purposive interpretation. *International Journal of Legal Science and Innovation*, 2 (2), 46-54.
- Barak, Aharon. *Purposive interpretation in law*. Princeton University Press, 2005.
- Brannon, Valerie C. *Statutory Interpretation: Theories, Tools, and Trends*. Congressional Research Service, 2018.
- Bray, Samuel L. 2021. "The Mischief Rule." *Georgetown Law Journal* 109: 967-1113.
- Buresh, Donald. L (2023). The Use of Intentionalism, Textualism, Purposivism, Lenity, and the Absurd Doctrine When Evaluating Legislative Intent and Legislative History. *International Journal of Social Science And Human Research*, 6 (12), 7332-7344.
- Eskridge, William N., Jr. (1987). Dynamic Statutory Interpretation. *University of Pennsylvania Law Review*, 135 (6), 1479-1555.

- Eskridge, William N., Jr., & Frickey, Philip P. (1994). Foreword: Law as equilibrium. *Harvard Law Review*, 108, no. 1 (1994), 26–108.
- Gotsis, Tom (Ed.). *Statutory Interpretation: Principles and Pragmatism for a New Age* (Education Monograph No. 4). Judicial Commission of New South Wales, 2007.
- Greenberg, Mark. (2021). Legal Interpretation. In *Edward N. Zalta (Ed.), The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Fall 2021 Edition), 1–28.
- Herz, Michael. (2009). Purposivism and Institutional Competence in Statutory Interpretation (Benjamin N. Cardozo School of Law, *Jacob Burns Institute for Advanced Legal Studies Working Paper Series*, No. 267), 1–32.
- Ibrahim, Usman, & Akinde, Zainab. (2024). Purposive Approach to Statutory Interpretation: Comparative Analysis and Impact on Nigerian Legislative Drafting. *NAU Journal of Commercial and Property Law* (NAU.JCPL), 11 (1), 49–62.
- Lonnquist, Tobias. (2003). The Trend Towards Purposive Statutory Interpretation: *Human Rights At Stake*. *Bond Law Review*, 13 (1), Article 3, 16–27.
- Swart, Mia. (2010). "Is There a Text in This Court? The Purposive Method of Interpretation and the ad hoc Tribunals." *Zeitschrift für ausländisches öffentliches Recht und Völkerrecht (Heidelberg Journal of International Law)*, 70(3), pp. 767–787.
- Newcombe, Caroline Bermeo. (2022). Textualism: Definition, and 20 Reasons Why Textualism is Preferable to Other Methods of Statutory Interpretation. *Missouri Law Review*, 87 (1), 139–193.
- Sales, Philip James. (2024). The role of purpose in legislative interpretation: inescapable but problematic necessity. In Oxford University and University of Notre Dame Seminar on Public Law Theory: *Topics in Legal Interpretation*, 1–19.
- Siegel, Jonathan R. (2009). The Inexorable Radicalization of Textualism. *University of Pennsylvania Law Review*, 158 (1), 117–178.
- Stack, Kevin M. (2015). Purposivism in the Executive Branch: How Agencies Interpret Statutes. *Northwestern University Law Review*, 109 (4), 871–932.
- Spano, Robert R. (2010). Some Theoretical Reflections on Statutory Interpretation with an Emphasis on Purposive Interpretation in Law and Its Limits. *Seminar Paper presented at the Bergen Seminar*, 7–9 June.
- Weinrib, Jacob. (2023). What is Purposive Interpretation?. *University of Toronto Law Journal*, 74 (1), 1–39.